

سه‌شنبه • ۲۹ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۹ • ۹

روزنامه شرق

اندیشه

به هر میزان که دستان باز باشد، تلاش می‌کنیم	صفحه ۱۰
باز هم محدودیت، باز هم تدبیر	صفحه ۱۰
بررسی علمی یک ادعای نظامی	صفحه ۱۲

یادبود

الن میک‌سینز وود، متفکر آمریکایی در ۷۴سالگی در گذشت

چهارشنبه هفته گذشته الن میک‌سینز وود (۲۰۱۶–۱۹۴۲)، پژوهشگر برجسته اقتصاد سیاسی و مورخ مارکسیست پس از طی یک دوره مبارزه با بیماری سرطان درگذشت. وود که از نسل یهودیان لونی بود، یک سال پس از مهاجرت والدینش به آمریکا متولد و در ایالات متحده و اروپا بزرگ شد. او در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی عضو شورای سردبیری دو نشریه مشهور چپ، نیولفت رویوو و مانتلی ریویو بود و تأثیر بسیاری بر بخش عمده‌ای از مناقشات درباره نظریه مارکسیستی داشت. وود در ایران نیز متفکر شناخته‌شده‌ای است و دو کتاب از او با عنوان «امپراتوری سرمایه» و «دموکراسی در برابر سرمایه‌داری» با ترجمه حسن مرتضوی به فارسی منتشر شده است. آنچه در ادامه می‌آید نگاهی است اجمالی به حیات فکری الن میک‌سینز وود به نقل از سایت «نقد اقتصاد سیاسی».

طیف آثار الن میک‌سینز وود بسیار گسترده است، از آثار تاریخی درباب یونان باستان تا آثاری درباره اندیشه‌های سیاسی مدرن. نظریه سیاسی معاصر، مارکسیسم و ساختار و تکامل سرمایه‌داری مدرن. نخستین کتاب وی با عنوان «ذهن و سیاست: رویکردی به معنای فردگرایی لیبرالی و سوسیالیستی» در ۱۹۷۲ منتشر شد. در سال ۱۹۷۸ به همراه همسرش نیل وود (که در سال ۲۰۰۳ درگذشت) کتاب «ایدئولوژی طبقاتی و نظریه سیاسی کهن: سقراط، افلاطون و ارسطو در بستر اجتماعی» را منتشر کرد. الن میک‌سینز وود از ۱۹۸۴ عضو تحریریه نشریه «نیولفت رویوو» بود و این همکاری تا ۱۹۹۷ ادامه داشت. در سال ۱۹۸۶ کتاب مهم او با عنوان «عقب‌نشینی از طبقه: یک سوسیالیسم «حقیقی» جدید» منتشر شد. این کتاب که نقدی بر چپ‌های نوظهور پسامدرن و یکی از نخستین و نافذترین آثار در این زمینه است، برنده جایزه یادمان آل‌راک دوپجر شد. وود در کتاب «دهقان - شهروند و برده: بنیادهای دموکراسی» آن (۱۹۹۷) به نقد دیدگاه‌های جفری ارنست موریس دو سنت کرواکس، یکی از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران مارکسیست دوره باستان، دست زد. دوست کرواکس در کتاب مبارزه طبقاتی در دنیای یونان کهن گفته بود که منبع اصلی مازاد در یونان و روم، کار بردگان بوده است. وود در مقابل استدلال کرد در عین حال که اهمیت کار بردگان در ایجاد مازاد را نمی‌توان نادیده گرفت اما در این مورد نباید اغراق کرد.

سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ یکی از مهم‌ترین دوره‌های تأثیرگذاری الن میک‌سینز وود در سپهر اجتماعی چپ بود. وی در این سال‌ها به حضور در هیات تحریریه مانتلی رویوو در دورانی که شاهد عقب‌نشینی روشنفکران چپ و چیرگی دیدگاه‌های پسامدرن در میان اغلب آنان بود، یکی از مهم‌ترین دوره‌های فعالیت «مانتلی رویوو» را رقم زد. از جمله، در این دوره شاهد انتشار سه ویژه‌نامه مهم این نشریه بودیم. نخستین آن «در دفاع از تاریخ: مارکسیسم و دست‌ورکار پسامدرن» (۱۹۹۷) (که همراه با جان بلامی فاستر سردبیری آن را برعهده داشت)، دومین ویژه‌نامه «سرمایه‌داری و عصر اطلاعات: اقتصاد سیاسی انقلاب ارتباطی جهانی (۱۹۹۸)» بود که وی به همراه رابرت مک‌چسنی و جان بلامی فاستر آن را منتشر کرد. سومین کتابی که وی سردبیری آن را برای مانتلی ریویو عهده‌دار بود: «خاستگاه از خاکستر؟ کارگر در عصر سرمایه‌داری جهانی» (۱۹۹۸). به موازات آن در دهه ۱۹۹۰ شاهد انتشار چند کتاب دیگر از او بودیم، به ترتیب «دموکراسی علیه سرمایه‌داری: تجدیدحیات ماتریالیسم تاریخی» (۱۹۹۵)، «دهقان - شهروند و برده: بنیادهای دموکراسی آتی» (۱۹۹۷)، و نخستین ویرایش «خاستگاه سرمایه‌داری» (۱۹۹۹).

حلال نظری مهم الن میک‌سینز وود با رابرت برنز، دوست و همفکر سیاسی خودش، در سر خاستگاه‌های سرمایه‌داری مدرن بود. پیشینه این مباحثه شاید به مباحثات موریس داب و پل سوییزی در نیمه قرن بیستم بازمی‌گردد که در دهه‌های بعد دیگران، مانند امانوئل آلرشتاین و رابرت برنز، آن را دنبال کردند. وود در عین حال که در مورد خاستگاه‌های سرمایه‌داری در انگلستان متأثر از دیدگاه برنز بود، تأکید داشت که رشد سرمایه‌داری در کشورهای نظیر هلند و بلژیک و ساحل غربی اروپای درون قاره را نمی‌توان با ساختار نظری برنز تبیین کرد. نقد الن بر رابرت برنز یکی از مهم‌ترین انتقادهار بر دیدگاه برنز است.

الن میک‌سینز وود سرمایه‌داری را مجموعه خاصی از روابط اجتماعی مالکیتی می‌داند که در عصر مدرن منحصربه‌فرد است و تمامی کنشگران عرصه اقتصاد را به بازار وابسته می‌کند درحالی‌که در تمامی ادوار قبل، جهت‌گیری تولید به سبوی تأمین معیشت بود، سرمایه‌داری نخستین نظام اقتصادی بود که تمامی تولیدکنندگان را ناگزیر از فروش در بازار و بدین‌ترتیب رقابت برای بقا ساخت. وود بربنای دستگاه تحلیلی برنز استدلال می‌کرد که سرمایه‌داری نخستین نظام اقتصادی است که در آن بازار نقش کانونی دارد. و از این‌رو اگرچه چند هزار سال از زمان شکل‌گیری نهاد بازار می‌گذرد، در دوران سرمایه‌داری است که این نهاد تنظیم‌کننده تولید و مبادله است و از این‌رو تقسیم اجتماعی کار را پدید می‌آورد. وود تأکید داشت که این تحول به صورت «طبیعی» رخ نداده است. این گرایش در بطن بازارها نیست که به نقطه‌ای رشد کنند که جایگزین اشکال تولید پیشاسرمایه‌داری شوند، بلکه با بیرون‌راندن قهری دهقانان از زمین‌هایشان این امر ممکن می‌شود. الن به طور خاص تأکید می‌کرد که پیشینه‌سازی سود چیزی است که به‌مثابه وسیله بقا بر تولیدکنندگان تحمیل می‌شود. بنگاه‌ها با علت طمع‌ورزی نیست که سود را به حداکثر می‌رسانند، بلکه به دلیل آن است که اگر این کار را نکنند از بازار بیرون رانده می‌شوند. بنابراین بازار اجرای شادمانه روح نوآوری صاحبان کسب‌وکار نیست، بلکه نهادی به‌غایت سروکوبگر است که نه‌تنها بر کارگران، که بر سرمایه‌داران نیز سلطه دارد.

ادامه در صفحه ۱۴

سه‌شنبه • ۲۹ دی ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۹۹ • ۹

روزنامه شرق

اندیشه

به هر میزان که دستان باز باشد، تلاش می‌کنیم	صفحه ۱۰
باز هم محدودیت، باز هم تدبیر	صفحه ۱۰
بررسی علمی یک ادعای نظامی	صفحه ۱۲

یادبود

طرحی ناممکن

انتشار دانش‌نامه استنفورد به فارسی همچنان ادامه دارد و اخیراً با پنج جلد دیگری که منتشر شده به مجلد چهاروششم رسیده است: «گادامر و زیبایی‌شناسی»، «عشق»، «زیباشناسی گودمن»، «این‌همانی شخصی» و «متافیزیک».

در آخرین مدخلی که به فارسی منتشر شده، پیتز اینواکن و مگان سالیوان می‌گویند «متافیزیک» را از حیث تاریخی، مفهومی و نظری معرفی کنند؛ موضوعی که به آسانی نمی‌توان گفت چیست. اگرچه فیلسوفان باستان متافیزیک را همانند علم شیمی یا نجوم می‌دانستند که باید براساس موضوعش تعریف شود؛ یعنی متافیزیک علمی است که «وجود بماهو وجود» یا «وجود بماهو موجود» یا علل نخستین اشیا یا اشیا یا لاتبعیر را مطالعه می‌کند. اما به دو دلیل دیگر نمی‌توان متافیزیک را این‌گونه تعریف کرد. نخست اینکه امروزه تصور می‌شود فیلسوفی که وجود اشیا یا ر که زمانی موضوع متافیزیک قلمداد می‌شدند، انکار می‌کند، بدین وسیله خود ادعایی متافیزیکی مطرح می‌کند. دوم اینکه مسائل فلسفی بسیاری وجود دارند که امروزه مسائل متافیزیکی یا دست‌کم تا حدی متافیزیکی قلمداد می‌شوند و به هیچ‌وجه به علل نخستین یا اشیا لاتبعیر مربوط نیستند؛ برای مثال مسئله امور ذهنی و امور فیزیکی. واژه‌های جدیدی که از قرن بیستم به



بعد وارد فلسفه شد مثل «فرازیان» و «فرافلسفه» این برداشت را پیش کشیدند متافیزیک مطالعه‌ای است که به نحوی از فیزیک فراتر می‌رود؛ مطالعه‌ای که مصروف موضوعاتی می‌شود که از دغدغه‌های این‌جهانی نیوتن و آینشتاین و هایزنبرگ فراترند. در ۴۶ استنفورد این برداشت را نادرست می‌داند و بحث خود را در واکنش به همین نگاه آغاز می‌کند. این مدخل معتقد است واژه متافیزیک برگرفته از عنوان مجموعه ۱۴ کتاب ارسطو است که امروزه آنها را متافیزیک ارسطو می‌دانند. ازاین‌رو، نخستین‌باری که این واژه وارد فلسفه شد، شاخه‌ای از آن بود که چهار نام داشت: فلسفه اولی، علم اولی، حکمت و الهیات. در این مدخل تعریف و شناخت متافیزیک از این نقطه دنبال می‌شود.

سه بخش نخست این‌مدخل گزیده گسترده‌ای از مسائلی را بررسی می‌کند که متافیزیکی قلمداد می‌شوند و از نحوه‌های گسترش دورنمای متافیزیک در طول زمان بحث می‌کند. در این مدخل خواهید دید که مسائل متافیزیک در دوره‌های باستان و قرون وسطا به طور چشمگیری یکپارچه‌تر بودند. این موضوع پرسشی را پیش می‌کشد: آیا مدخل خواهید دید مبنی بر اینکه متافیزیک، به هرنحوی که تعریف شود، طرحی ناممکن است.

از «اگو- ایده‌آل‌های یکسر آماده پرواز» تا «انفجاری سوپژکتیو از گونه‌ها»

چهار کتاب، چهار نکته



در باب بکت	این قرن
آلن بدیو	آلن بدیو
ترجمه: احمد حسینی	ترجمه: فواد جراح‌باشی
ناشر: بوتیمار	ناشر: بیدگل
قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان	قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

می‌شود که می‌داند نمی‌تواند مدعی و خواستار هیچ ضمانتی باشد. حتماً خواننده می‌پرسد که «اختلاس» در اینجا چه می‌کند. آگامبن می‌گوید از قرابت سیاست نقل‌قول در بنیامین و تکنیک «دورنمان» در کی دیور پرده بردارد. اما چرا «اختلاس»؟ آگامبن مقاله‌اش را با نقل‌قولی از بنیامین آغاز می‌کند که از نقل‌قول‌کردن در نوشته‌هایش سخن می‌گوید. بنیامین می‌گوید، نقل‌قول‌ها در نوشته‌های من به راه‌زنانی می‌ماند که در راه‌ها کیمین می‌کنند تا به رهگذران حمله کنند و ایمان و باور ایشان را بدزدند. بدین‌سان، نیروی ویژه نقل‌قول ناشی از توانایی‌اش در انتقال گذشته به حال و ایجاد امکان برای خواننده جهت مجسم‌ساختن گذشته نیست: قدرت نقل‌قول، به اعتقاد بنیامین، ناشی از توانایی آن است در «خانه‌تکانی کردن، بیرون‌کردن عبارت از سیاق متن، و ویران کردن».

حال، می‌رسیم به پاورقی آگامبن: به گفته او، گی‌دیور به دنبال «سبکی مبتنی بر نفی» بود تا آن را به‌عنوان «زبان براندازی یا واژگون‌سازی انقلابی» به کار گیرد. آگامبن می‌گوید عجیب است که دیور در این جست‌وجو به پتانسیل ویرانگری که به طور ضمنی در نقل‌قول وجود دارد، توجه نکرد. و آن‌گاه نقش «دورنمان» و «انتحال» را در گفتار دیور عین نقش نقل‌قول در کارهای بنیامین می‌شمارد. مقاله «فرشته ماخلولیا» با ترجمه‌ای بالنسبه خوب و روان به فارسی درآمده است اما ناگهان سرولکه «اختلاس» در ترجمه پیدا می‌شود. در انگلیسی، برای فعل «اختلاس‌کردن» از واژه embezzle استفاده می‌کنند که مترادف است با misappropriate. طرفه اینکه détournement (در زبان فرانسه در انگلیسی به misappropriation ترجمه می‌شود؛ به معنای حیف‌ومیل‌کردن یا همان «اختلاس»، بدین‌ترتیب، شاید بتوان «اختلاس» را به‌عنوان معادلی برای détournement پذیرفت، اما در «سیاق» متن آگامبن یا دیور؟ در زبان فرانسه، فعل détourner به‌معنای «مسیر چیزی را تغییردادن» به کار می‌رود. «دورنمان» تکنیکی بود که لئریست‌ها در دهه ۱۹۵۰ ابداع کردند به معنای دخل و تصرف در تولیدات رسانه‌ها به قسمی که واریاسیون جدید معنایی متعارض یا متضاد با اصل (original) پیدا کند. از این لحاظ، «دورنمان» معنایی نزدیک به «پارودی» دارد و ارتباطی با حیف و میل اموال عمومی یا برداشت غیرقانونی از اموال دولتی - اختلاس - ندارد. مترجم «جامعه نمایش» (۱۳۸۰) برای آن معادل «مضمون‌ریایی» را به کار می‌برد.

پرده‌پنجم: آلن بدیو در کتاب «دریاره بکت» مقایسه جذابی بین کانت و بکت می‌کند: تفکر کانت «نقد» را حول محور سه پرسش سازمان داد: من چه می‌توانم بدانم؟ چه باید بکنم؟ به چه امید می‌توانم داشت؟ پرسش اول اساس نقد اول، پرسش دوم اساس نقد عقل عملی و پرسش سوم اساس نقد قوه حکم بود. بدیو می‌گوید در بکت نیز سه پرسش برمی‌خیزد که به نحوی طنزآمیز و طعن‌آمیز رابطه او را با فلسفه رقم می‌زند. بکت این سه پرسش را در «متن‌هایی برای هیچ» به وضوح بیان می‌کند: «به کجا می‌رفتم اگر می‌توانستم بروم، که بودم اگر می‌توانستم باشم، چه می‌گفتم اگر صدا می‌داشتم؟». «می» بکت گرفتار وقفه‌ای سه‌لایه است: وقفه در رفتن، در بودن، در گفتن.

«سوژه» مترجم، در وضع کنونی ما نه از طریق تداوم و اصرار در رفتن-بودن-گفتن (افعال سه‌گانه «ترجمه‌کردن») بلکه به میانجی وقفه‌انداختن در فرایند تولید متن‌هایی برای این همه هیچ شکل خواهد گرفت: ترجمه در آن واحد قسمی رفتن است، رفتن به مقصد زبان - جهانی دیگر؛ قسمی بودن است، اقامت در زبان - جهان مبدأ؛ و گفتن، گفتن حرف‌هایی که در هیچ یک از آن دو زبان- جهان امکان گفته‌شدن نداشتند مگر از راه ترجمه... اما، در غیاب پروژه‌های نظری- سیاسی که افق کنش ترجمه را تعریف کند، ترجمه‌کردن به صورت یکی از مؤثرترین راه‌های فکر نکردن و طفره‌رفتن از مواجهه با جای خالی پروژه‌های فکری خواهد ماند.

مفهوم جاودانگی نزد اوانامونو

بهره‌گیری از تناقض است که می‌تواند همواره مخاطب خویش را برانگیزد و در این جدال بی‌پایان با مرگ با خود همراه کند. نسبت او را با ادبیات اسپانیا به نوعی شبیه نسبت حافظ یا مولانا در ادبیات ایران می‌دانند. او بیش از اینکه به دنبال نظام‌سازی فلسفی باشد در آثار خود دغدغه دین و ایمان و عقل و شک دارد. اوانامونو در نوجوانی گرایش غربی به اندیشه، مخصوصاً به شعر -هم شعر شاعران و هم شعر فلاسفه- پیدا کرد به همین خاطر پس از پایان تحصیلات متوسطه به مادرید رفت. اما زندگی دانشگاهی، آن هم با داشتن اساتیدی سخت‌گیر، ذهن شکاک و طبع طبیعت‌گرایی او را راضی نمی‌کرد، درعوض علاقه شدیدی به خواندن کتاب و گفت‌وگو با روشنفکران مادرید و شرکت در مباحث سیاسی داشت. پس از گرفتن مدرک دکتر با باسک و بیلباو برگشت و مشغول نگارش کتاب صلح و جنگ شد ولی چون احتیاج به تأمین مادی داشت، دوباره عازم مادرید شد و در کرسی زبان و ادبیات یونانی دانشگاه سالامانکا مشغول به کار شد. زندگی او در شهر و دانشگاه سالامانکا به‌شدت درگیر تدریس، بحث و تألیف و تفکر بود.

اندیشه‌های دینی اوانامونو

زهر ا شاه‌پری
ناشر: ناهید
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

از «اگو- ایده‌آل‌های یکسر آماده پرواز» تا «انفجاری سوپژکتیو از گونه‌ها»

چهار کتاب، چهار نکته



فرشته ماخلولیا	امر گشوده
جور جو آگامبن	جور جو آگامبن
ترجمه: مریم برقعی	ترجمه: یاسر همتی
ناشر: گام نو	ناشر: رخداد نو
قیمت: ۲۰۰۰ تومان	قیمت: ۸۵۰۰ تومان

بدیو می‌گوید در جهان امروز تنها چیزی که درخور توجه دانسته می‌شود روابطی است که چینی‌های عاشق قهرست‌سازی اگر می‌دیدند آن را «روابط سه‌گانه» می‌نامیدند (would have called): رابطه با پول؛ رابطه با موفقیت اقتصادی و اجتماعی؛ و رابطه با آمیزش جنسی. به‌جز این هرچه هست انتزاعات از مدافعه (یا، اصطلاحاً، «عهده بوقی») و تمایت‌خواهانه تلقی می‌شود. و بر این اساس آنچه امروز «مدرن» خوانده می‌شود عملاً چیزی نیست جز تعمیم سه رابطه مذکور و تبدیل آن‌ها به Ego-ideal‌هایی تمام‌عیار: ego-ideal در قاموس روان‌کاوی به خود یا نفس آرمانی یا کاملی اطلاق می‌شود که درون سوپراگو جای می‌گیرد و حاصل ادغام تصورات درونی فرد است از آنچه می‌پندارد باید باشد و ریشه در جنبه‌هایی از والدین و/ یا آدمی دارد که فرد او را قهرمان زندگی‌اش می‌داند. «اگو- ایده‌آل‌هایی یکسر آماده پرواز» هیچ ربطی به موضوع ندارد.

پرده‌سوم: در سال ۱۳۹۴، کتابی با عنوان «امر گشوده: انسان و حیوان»، اثر جور جو آگامبن به فارسی منتشر شد. در فصل پنجم کتاب، «فیزیولوژی آمرزیدگان»، می‌خوانیم: «بدین‌ترتیب چنان‌چه رخصت داده شود که محشورشدگان توسط رفتار جنسی خود را تکثیر کنند و به وسیله خوراک خود را بیورند. آنگاه این امر به این معنی خواهد بود که تعداد و شکل جسمانی نوع بشر به نحوی نامشاهی رشد و یا تغییر خواهد کرد و در نتیجه با بی‌شمار آمرزیدگانی روبه‌رو خواهیم بود که هرگز پیش از رستاخیز نزیسته‌اند و از این‌رو تعریف‌پذیری انسانیت‌شان ناممکن خواهد بود».

ایین جمله‌ها بی‌معنی نیستند ولی «معیوب» اند: نتیجه شکلی از ترجمه‌اند که در عمل زبانی تولید می‌کند که از مبدأ رانده و از مقصد مانده است: زبانی که رفتار طبیعی و بهنجارش را کم کرده منتها نه در خاک شعر بلکه در اقلیم نثر. ترجمه انگلیسی:

For if it were allowed that the risen would reproduce by means of sexuality and nouLrish themselves with food...

نویسنده می‌گوید، «اگر محشورشدگان اجازه می‌یافتند به وسیله فعالیت جنسی تولید مثل کنند و غذا بخورند...».

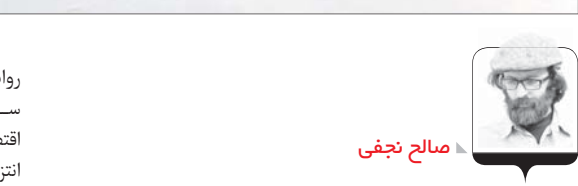
مساله این است که هیچ فارسی‌زبانی هیچ‌کام نمی‌گوید «توسط رفتار جنسی خود را تکثیرکردن» و این‌که ما از «خود را توسط رفتار جنسی تکثیرکردن» استفاده نمی‌کنیم نه نشانه ضعف و نقصانی در زبان ماست و نه استعمال چنین ترکیبی به ظرفیت زبان ما می‌افزاید: حرف نویسنده روشن است: اگر ساکنان بهشت مانند انسان‌ها در روی زمین تولید مثل می‌کردند و مثل ما غذا می‌خوردند تعداد آدم‌ها بی‌نیاحت می‌شد و جسم آدم‌ها نیز بی‌اندازه تغییر شکل می‌یافت و در آن صورت شمار بهشتیان هم بی‌نیاحت می‌گشت و در میان ساکنان بهشت، خیل عظیم آدم‌هایی به وجود می‌آمد که قبل از معاد جسمانی اصلاً زنده نبوده‌اند، بنابراین به هیچ‌وجه نمی‌شد انسان‌بودن‌شان را تعریف کرد. مسئله این است که جمله‌های مترجم «سالم» نیستند: «و از این‌رو تعریف‌پذیری انسانیت‌شان ناممکن خواهد بود»- این عبارت نیاز به درمان دارد و مهم این است که بیماری نثر علت بیماری وسیع‌تری است که هیچ‌کس یک تنه حتی قادر به تبیینش نیست چه رسد به معالجه‌اش....

پرده‌چهارم: پنج سال پیش مقاله‌ای از جورجو آگامبن با عنوان «فرشته ماخلولیا» در مجموعه «جزوه‌های گام نو» منتشر شد. مترجم یکی از پاورقی‌های نویسنده را چنین ترجمه کرده است: «جالب است که گی‌دیور، در جست‌وجویش برای یک «سبک نفی‌کردن» به‌عنوان زبان براندازی انقلابی، متوجه پتانسیل مخرب و ضمنی نقل قول نشد. هرچند، کاربرد «اختلاس» (détournement) و دزدی ادبی، که او پیشنهاد کرد، همان نقشی را در گفت‌مان این افا می‌کرد که بنیامین به نقل‌قول نسبت داده بود... اختلاس در حیات آن ارتباط یا هم‌سرانی‌ای نمایان

مفهوم جاودانگی نزد اوانامونو

قدیس آگوستین، بلز پاسکال، سورن کی‌رکگور، گابریل مارسل، ویلیام جیمز و اوانامونو از برجسته‌ترین فیلسوفان اصالت وودی دیندار می‌دانند که همه عمر دغدغه ایمان داشتند. فیلسوفان اگزیستانسیالیست مهم‌ترین وظیفه فلسفه را این می‌دانند که زندگی را در مواجهه با فلسفه خود معنادار کنند. آثار مهم این فیسوفان پیش از این زیاد به فارسی ترجمه شده است. از بین این فیلسوف‌ها میکل دو اوانامونو متکلم، شاعر و نویسنده اسپانیایی، در انتهای قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم است. آثار اوانامونو و ازجمله معروف‌ترین اثر او «در

جاودانگی» (سرشت سوگناک زندگی) نیز قبلاً توسط باءالدین خرمشاهی به فارسی ترجمه شده است. شهرت اوانامونو بیش از فلسفه در ادبیات و شعر است. او در ادبیات صاحب سبکی نو به‌ویژه در زمینه رمان تجربی و تنزل جدلی است. اندیشه‌های فلسفی او نه مجموعه انتظام‌یافته‌ای از حقایق منطقی، بلکه تنها میراث لحظات ژرف زندگی او هستند. مابعدالطبیعه او درست همان‌گونه که ادعا می‌کند همان الهیات است و از این‌رو اندیشه‌های فلسفی او دارای بن‌مایه‌های دینی است و محوری‌ترین مسئله آن نیز چگونگی حیات پس از مرگ و ایمان به رستاخیز ابدی انسان‌ها و مسئله جاودانگی است. براین‌اساس اندیشه‌ها و افکار او هم به لحاظ فلسفی و هم از جنبه الاهیاتی قابل‌تأمل و بررسی است. اندیشه دینی و فلسفی او از یک نقطه آغاز می‌شوند و آن مواجهه با مرگ است. اوانامونو در راستا تحقق غایت دینی و فلسفی‌اش و برای اینکه بتواند از تمامی امکانات در جهت اثبات جاودانگی انسانی بهره‌مند شود از تناقض استفاده می‌کند و بهره‌گیری از شیوای متناقض‌نما را وجهه همت فلسفی و دینی خود قرار می‌دهد، چراکه در حقیقت تنها به واسطه



برده‌اول: روزنامه شرق، صفحه ادبیات، ۱۶ دی ۱۳۹۴. کتاب تازه‌ای با عنوان «در باب بکت» از آلن بدیو به فارسی ترجمه شده و انتشار یافته است و در صفحه ادبیات به خوانندگان معرفی شده و (احتمالاً) خواندن آن توصیه شده است. در این معرفی آمده است: «...بدیو از مواجهه شخصی خودش با آثار بکت می‌نویسد. اینکه در دهه پنجاه آثار بکت را کشف می‌کند و این مواجهه‌ای بود واقعی؛ انفجاری سوپوزکتیو از گونه‌ها که اثری به یادماندنی جای گذاشت...» و بعد بدیو می‌نویسد که این رسالت اصلی جوانی است، «آنچه در این چند جمله نظر را به خود جلب می‌کند عبارت «انفجاری سوپوزکتیو از گونه‌ها» است. خواننده (احتمالاً) با خود می‌گوید در نظر بدیو مواجهه واقعی چیزی نظیر «انفجاری سوپوزکتیو» است، اما انفجاری از گونه‌ها، ترجمه انگلیسی را ببینیم:

It was a real encounter, a subjective blow of sorts that left an indelible mark.

of sorts of a sort یا ترکیبی بسیار عادی و متداول در زبان انگلیسی است برای چیزی که چندان معمول نیست. در «فرهنگ پویا» (محمدرضا باطنی)،

این مثال آمده است:

He offered us an apology of sorts and we accepted it.

«یه جوری از ما عذرخواهی کرد و ما پذیرفیم».
بله، بدیو کشف کارهای بکت را در اواسط دهه پنجاه میلادی برای خود مواجهه‌ای واقعی می‌داند: از آن نوع ضربه‌های نادری که شخص در جوانی می‌خورد و اثرش از لوح وجودش هیچ‌کام پاک نمی‌شود – چیزی که مترجم «انفجاری سوپوزکتیو از گونه‌ها» می‌پندارد.

برده‌دوم: کتاب دیگری از آلن بدیو با عنوان فارسی «این قرن» در دی ماه ۹۴ به چاپ دوم رسیده است. فصل نهم کتاب با عنوان «هفت واریاسیون» با این جمله آغاز می‌شود: «ما امروز به استیلای یک فردگرایی مصنوعی تن در داده‌ایم». سپس بدیو اشاره می‌کند به میلیون‌ها تظاهرکننده‌ای که در سال ۱۹۹۵ در فرانسه یک‌صدا شعار می‌دادند «با هم!». و آنگاه از واکنش تبلیغات و شعارهای توخالی آن به شعار «با هم» تظاهرکنندگان می‌گوید. براساس ترجمه فارسی: «صنعت تبلیغات با توسل به «بدهات» جست‌وجوی رقابتی فرد در پی خوشبختی و موفقیت واکنش نشان می‌دهد». جمله کمی گنگ است. اما جمله‌های بعدی کنت‌تر می‌شوند: «هیچ چیزی شایان توجه دانسته نمی‌شود مگر آنچه چیزی‌ها، که عاشق لیست هستند، «سه رابطه»‌اش می‌خوانند: رابطه با پول، رابطه با اقتصاد و موفقیت اجتماعی، رابطه با سسکس. باقی چیزی نیستند مگر انتزاع‌گری‌های مهجور و به احتمال زیاد توتالیتز. آنچه «مدرن» می‌باشد عامیت‌بخشیدن همان سه رابطه مذکور است در اگو- ایده‌آل‌هایی یکسر آماده پرواز».

از آخر شروع کنیم؛ «اگو- ایده‌آل‌هایی یکسر آماده پرواز». مترجم این ترکیب را از فرهنگ لغت انگلیسی به فارسی استخراج کرده. معنای اول fully-fledged را لغت‌نامه‌ها «پیر درآورده» و «قادر به پرواز» است که در مورد جوجه‌ها استفاده می‌شود، یعنی جوجه‌ای که پر درآورده و قادر به پرواز است. «یکسر» را مترجم در ازای fully آورده است و حاصل کار: بنا به ترجمه فارسی نویسنده «اگو-ایده‌آل‌ها» را به پرندehایی تشبیه کرده است که هنوز جوجه‌اند اما پرها‌یشان به قدری رشد کرده که «یکسر آماده پرواز»‌ند. ترجمه انگلیسی: 'What is 'modern' is the generalization of the aforementioned three relations into fully fledged Ego-ideals.



◀ **صالح نجفی**